

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشی» تیرانا ۱۹۶۹

۲۰ فبروری ۲۰۱۴

۳

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر و تاثیر آن در البانی

هنگامی که خلق البانی از ظلم و ذلت رنج می برد و امپریالیست ها حقوق او را بیرحمانه پامال می کردند، حادثه عظیمی لرزه بر جهان افکند: انقلاب کبیر سوسیالیستی در روسیه پیروز شد. روز ۷ نومبر ۱۹۱۷ (۲۵ اکتوبر از تقویم ژولی^۱) طبقه کارگر و دهقانان تهدیدست روسیه به رهبری حزب بلشویک، و در رأس آن لنین، قدرت سرمایه داران و مالکان ارضی را سرنگون ساختند و دیکتاتوری پرولتاریا را بر پای داشتند. درفش سوسیالیسم بر یک ششم کره زمین افراشته شد. انقلاب کبیر اکتوبر شرایط ضروری برای بر انداختن هرگونه استثمار انسان از انسان، هرگونه ستم اجتماعی و ملی، برای پیروزی نظام سوسیالیستی در روسیه فراهم آورد. انقلاب سوسیالیستی در روسیه، دوران نوینی در تاریخ جهان گشود، دوران سرنگونی سرمایه داری و پیروزی نظام سوسیالیستی، دوران انقلاب پرولتری در کشور های سرمایه داری و انقلابات نجات بخش ملی در کشور های مستعمره و وابسته، دوران ایجاد جبهه واحد انقلابی پرولتر ها و خلق های ستمدیده کلیه کشور ها علیه امپریالیسم. پیروزی اکتوبر کبیر پیروزی مارکسیسم- لنینیسم بر سوسیال دموکراسی بر اپورتونیزم و بر رویونیسم بود. ایدئولوژی مارکسیستی – لنینیستی با آهنگ جدیدی در نهضت کارگری بین المللی رو به پیشروی پیروزمندانه نهاد. انقلاب اکتوبر و جمهوری شورا ها در نهضت انقلابی ممالک گوناگونی تأثیر بسیار گذاشتند، به توده های زحمتکش سراسر جهان راه آینده را نشان دادند، با سرمشق خویش به آنها الهام بخشیدند، به جنبش کارگری و جنبش نجات بخش ملی در جهان نیروئی بی سابقه دمیدند.

^۱ - اشاره است به تقویمی که در سال ۴۶ قبل از میلاد به دستور ژول سزار امپراتور روم تنظیم شد. «مترجم»

طنین انقلاب اکتوبر به البانی نیز رسید. افکار این انقلاب و سیاست دولت شوروی در رشد نهضت نجات بخش ملی به خاطر حفظ تمامیت ارضی کشور و در گسترش جنبش انقلابی دموکراتیک تأثیر گذاشت.

در این مورد اقدام دولت شوروی مبنی بر افشای قرارداد های محرمانه ای که بین دول امپریالیستی منعقد شده بود دارای اهمیت خاصی است. یکی از این اسناد که به موجب تصمیم دومین کنگره شورا ها انتشار یافت قرارداد محرمانه لندن مؤرخ اپریل ۱۹۱۵ بود که طبق آن می بایست البانی بین ایتالیا، صربیه، مونته‌گرو و یونان تقسیم شود. مضمون این قرارداد به زودی در البانی نیز انتشار یافت و موج عظیمی از خشم در نزد خلق البانی بر انگیخت. نهضت نجات بخش ضد امپریالیستی به خاطر تأمین آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور، نهضتی که علیه قرارداد لندن بر پا شد، دامنه پهناوری یافت. کنگره ملی ضد امپریالیستی لوشینا که در جنوری ۱۹۲۰ تشکیل شد، پیکار قهرمانانه ای که در تابستان همان سال علیه اشغالگران امپریالیستی ایتالیائی در گرفت و پس از نبرد پیروزمند ولورا به طرد آنها انجامید گواه میهن پرستی پر شور خلق البانی و همچنین حاکی از نفوذ سیاست ضد امپریالیستی لنینی بود.

از فردای پیروزی انقلاب اکتوبر، در شرایطی که انقلاب در همه اروپا رو به اعتلاء بود. اخبار پیروزی های بلشویک های روس به تدریج در صفوف کارگران، پیشه وران و روشنفکران البانی به طور وسیع منتشر می شد و مهر روز افزون آن ها را نسبت به روسیه شوروی می انگیخت. نام لنین به صورت مظهر «اصول والای انسانیت»، مظهر جامعه نوین، جامعه ای خالی از استثمارگر و استثمار زده در آمد. نخستین رسالاتی که از اتحاد شوروی و کمونیسم سخن می گفت از خارج به البانی می رسید و در محافل محدود روشنفکران و کارگران خوانده می شد. اندیشه های اکتوبر در میان توده های محروم شهر ها که در اثر خرابی های جنگ اول جهانی و سیاست ضد خلقی دولت های مالکان بزرگ ارضی و بورژوا ها در شرایط اقتصادی بسیار دشوار به سر می بردند، شیوع می یافت.

انقلاب جون ۱۹۲۴

پس از آن که نیروهای امپریالیستی بیگانه و نیروهای شوینیستی کشورهای همسایه از البانی رانده شدند مبارزه برای استقرار نظام دموکراتیک و به ویژه برای حل مسأله ارضی در خط مقدم زندگی سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. توده های دهقان و مردم خرده پای شهر ها و از آن جمله کارگران در این مبارزه شرکت داشتند.

طبقه کارگر هنوز به آن درجه از پختگی ایدئولوژیک و سیاسی نرسیده بود که بتواند حزب خود و یا لاقول سازمان های حرفه ئی خود را تأسیس کند. از این جهت جنبش کارگری در مجموع خود نتوانست بر این ضعف های بدوی فائق آید. جمعیت های جدیدی که در سال های ۱۹۲۰ - ۱۹۲۳ ایجاد شدند خصلت جمعیت های کمک به پیشه وران و کارگران را داشتند و هرگز به فعالیتی ممتد نائل نیامدند. کارگران برخی از کارخانه ها و معادن نیز در کنار شاگردان کارگاه های پیشه وری و کسبه به جنبش مبادرت جستند ولی اعتصابات آنها همیشه خودجوش بود و فقط مطالبات صرفاً اقتصادی را مطرح می ساخت. علاوه بر علل عینی که مانع تکامل این جنبش می شد فعالیت ضد سوسیالیستی مداوم طبقات حاکمه که پس از انقلاب اکتوبر باز هم توسعه بیشتر یافت، راه جنبش را سد می کرد.

نهضت کارگری با نهضت وسیع توده ئی در آمیخت و این نهضت سراسر کشور را فراگرفت. دهقانان و توده های فقیر کشور ها که بار سنگین ستمگری و استثمار وحشیانه مالکان ارضی و بورژوا ها را بر دوش داشتند نیروی عمده این نهضت بودند. از سراسر البانی اعتراض نامه هائی به عنوان دولت و مجالس ارسال می گشت و مطالبه می شد که عشریه و حقوق گراف گمرکی غلات ملغی گردد. در مارچ ۱۹۲۳ هزاران تن از شهریان و روستائیان در کورچا نمایش دادند و خواستار شدند که نان مردم تأمین شود و انبار های محتکران غلات را بگشایند. در منطقه ولورا قریب

سه هزار تن شهری و روستائی با اعتراض به سیاست ضد خلقی دولت، برخاستند، انبار های محتکران را گشودند، غلات را برداشتند و بین مردم رایگان تقسیم کردند.

دهقانان تهیدست و ستم دیده خواستار زمین بودند. دیگر مبارزه به خاطر زمین حدت بسیار یافته بود و چه بسا که دهقانان برای این که زمین را به زور از مالکان بزرگ ارضی و دولت بستانند به حملات شدید دست می زدند. حل مسأله ارضی در روسیه شوروی نیز در گسترش مبارزه ضد فئودالی تأثیر داشت. در کشوری عقب مانده مانند البانی آن روز بلشویسم در درجه اول به معنی الغاء بدون غرامت مالکیت بزرگ ارضی و واگذاری رایگان ارضی وسیع به دهقانان بود. ولی خواست های اساسی دهقانان مورد پشتیبانی گروه های سیاسی بورژوا که در آن موقع در رأس جنبش دموکراتیک بودند، قرار نگرفت. این گروه ها تصور تنگنظرانه ای از رفرم داشتند و یگانه هدفشان این بود که منافع دهقانان زحمتکشی را که بر روی زمین کار می کردند با منافع مالکان بزرگ ارضی آشتی دهند و بدون آن که به این طبقه زیانی برسانند وضع آن دهقانان را بهبود بخشند. بورژوازی البانی که به طور عمده از بازرگانان و صنعتگران کوچک تشکیل می شد نیز قسماً مالک ارضی بود. وی به مثابه طبقه خواستار دگرگونی های اساسی نبود. اگر در جنبش دموکراتیک شرکت می جست برای آن بود که با اغراض دیکتاتور منشانه دار و دسته زوغو و یا سلطه مالکان بزرگ ارضی در زندگی سیاسی کشور دشمنی داشت.

کسانی که بیش از همه جنبش دموکراتیک را ترغیب و تقویت کردند و سازمان دادند دموکرات های انقلابی بودند که به ویژه در جمعیت «باشکیمی» (وحدت) جمع شده و اکثراً از صفوف روشنفکران خرده بورژوازی برخاسته بودند. «باشکیمی» جوانان و به طور عمده جوانان دانشجو را که به ویژه در جنبش دموکراتیک انقلابی نقش نمایانی بازی کردند، گرد می آورد و سازمان می داد. سازمان باشکیمی و سایر عناصر دموکرات از خواست های اساسی دهقانان در امر تقسیم اراضی مجدانه پشتیبانی کردند و با طرح مبرم ترین مسائل سیاسی و اجتماعی به زندگی سیاسی کشور جانی تازه بخشیدند.

اعتلاء نهضت در بهار ۱۹۲۴ به ایجاد وضع انقلابی منجر گردید و کشته شدن عونی رستمی، یکی از رهبران جنبش دموکراتیک، به دست زمینداران بزرگ ارتجاعی، به منزله ندای قیام بود.

برنامه ای که این دولت مطرح کرد شامل یک سلسله وظائف و رفرم هائی بود به منظور این که کشور به راه تکامل دموکراتیک و بورژوائی بیفتد. پیش بینی برنامه در زمینه سیاسی عبارت بود از استقرار دموکراسی از طریق انتخابات آزاد و مستقیم، تحول اساسی دستگاه دولتی اعم از کشوری و لشکری، هدف برنامه در زمینه اقتصادی و اجتماعی، عبارت بود از ریشه کن ساختن فئودالیسم، آزاد کردن دهقانان از استثمار مالکان بزرگ ارضی، اصلاح سیستم مالی به سود خلق، تسهیل ورود سرمایه خارجی، تشویق سرمایه مالی و دفاع از آن. توجه برنامه در مورد آموزش همگانی معطوف بر آن بود که سیستم آموزشی مبتنی بر پایه های ملی و متجدد ایجاد گردد. دولت در سیاست خارجی در نظر داشت که با کلیه کشور ها و به ویژه با کشور های همسایه مناسبات دوستانه برقرار کند.

این برنامه مورد پشتیبانی توده های وسیع قرار گرفت که اجرای تام و تمام آن را خواستار شدند. اما در عین حال با مخالفت خشمناک مالکان بزرگ ارضی و ارتجاع امپریالیستی روبه رو گردید. رؤسای بورژوازی نیز که از شور و شوق انقلابی توده ها به هراس افتاده بودند به مالکان بزرگ ارضی و امپریالیست ها نزدیک شدند تا به معیت آنها علیه اجرای برنامه مبارزه کنند و دولت جدید را تحت فشار شدید قرار دهند.

در چنین اوضاعی، دولت دموکراتیک بورژوا که سخت متزلزل شده بود نشان داد که نمی تواند انقلاب را به پایان برساند، سیاست آشتی طبقاتی در پیش گرفت، از تکیه بر توده ها سر باز زد و برای اجرای برنامه خویش مبارزه نکرد و این امر موجب انفراد او از توده های مردم که او را سرکار آورده بودند گردید. در اثر رخوت دولت و روش متردد

او این فکر در محافل دموکراتیک رادیکال به ظهور رسید و قوت گرفت که توده های مردم خودشان باید با مالکان بزرگ ارضی و رهبران متزلزل بورژوازی تصفیه حساب کنند و مجلس جدیدی بر سرکار آورند که مرکب از کارگران و دهقانان باشد، ولی این فکر به عمل در نیامد.

روش ضد امپریالیستی دولت که ناشی از خصلت دموکراتیک برنامه آن بود نتایج مثبتی به بار آورد. وی کشور را از فرمانبری اسارت آور ایتالوی فاشیست رهانید، ادعاهای شونیست های یوگسلاوی و یونانی را در مورد خاک البانی رد کرد و با اتحاد شوروی روابط دیپلماتیک برقرار ساخت. معذالک حتی در سیاست خارجی هم دولت فان نولی در برابر فشار های امپریالیسم انگلستان و آمریکا دچار تزلزل بود.

امپریالیست ها و دول ارتجاعی کشورهای مجاور به اقدامات وسیعی علیه جنبش دموکراتیک در البانی دست زدند و مالکان بزرگ ارضی و سایر مرتجعان کشور به یاری آنها در صدد خفه کردن انقلاب برآمدند.

در ۲۴ دسمبر ۱۹۲۴ نیرو های ضد البانی که اکثراً با کمک مستقیم امپریالیست ها و قشون ارتجاعی صربی و گارد سفید از یوگوسلاوی آمده بودند به رهبری احمد زوغو وارد تیرانا شدند و دولت فان نولی را سرنگون ساختند. به این طریق رژیم زوغو سرکار آمد.

انقلاب ماه جون بخش فعالی از نهضت انقلابی نیرومند خلق ها بود که در فردای پیروزی انقلاب اکتوبر بر پا شد. اما این انقلاب هنگامی به پیروزی رسید که ارتجاع و فاشیسم در اروپا کاملاً به تعرض پرداخته و نهضت انقلابی رو به فروکش نهاده بود. در چنین هنگامی البانی به صورت کانون انقلاب در بالکان در آمد. اهمیت انقلاب ماه جون از مرز های کشور البانی در گذشت و مورد توجه خاص محافل کمونیست و دموکراتیک اروپا قرار گرفت که خصلت انقلابی ضد فئودالی و ضد امپریالیستی آن را به درستی ارزیابی کردند. ژرژ دیمیتروف نظر داد که سرکوب انقلاب ماه جون باعث شد که یکی از پایگاه های نهضت انقلابی در بالکان از میان برود و جبهه ارتجاع بالکان توسعه یابد.

ادامه دارد...